

یکی از تجارب جالب من پروژه احداث کارخانه تراکتور سازی تبریز است

مصاحبه با جناب آقای مهندس اشکی نماینده دوره اول دانشکده فنی تبریز

به اهتمام | علی میرچی | کارشناس ارشد منابع آب - دفتر فنی مشاور رهاب

آشنای



آقای مهندس اشکی در ۱۴ دی ماه سال ۱۳۱۷ در ارومیه متولد شدند. تحصیلات پیش از دانشگاه را در شهرستانهای ارومیه و تبریز به پایان رساندند و در سال ۱۳۳۷ وارد دانشگاه شدند. ایشان از سال ۱۳۴۱ فعالیت خود را در عرصه کارهای اجرایی کشور آغاز نمودند و جزو مؤسسان شرکت پل سر می باشند. آخرین پروژه مهمی که انجام داده اند پروژه اجرای پردیس دانشگاه رازی با ۳۴۰۰۰ مترمربع زیر بنا مشتمل بر دانشکده های علوم انسانی و فیزیک و شیمی و محوطه سازی کل دانشگاه در کرمانشاه بوده است.

در پروژه احداث کارخانه تراکتور سازی تبریز ، سیزده هزار متر مربع سالن صنعتی در مدت شش ماه در شرایط نامساعد جوی تبریز اجرا و آماده بهره برداری شد



توضیح عکس | تاریخ عکس ۱۳۳۹، از راست به چپ: دانشجویان دوره اول دانشکده فنی دانشگاه تبریز؛ آقایان قابوسی، نوظهورفرشی، کهن کوچک، اشکی، مرحوم آذر نوا، نوید، ماشینی، بزاز زاده، خزایی، ایتی، افشایی، مرتضوی

و جلوی در دانشکده ایستاده بودم تا اگر از مأمورین ساواک در آن حوالی پیدا شدند بتوانم دفاع کنم. در این موقع مرحوم دکتر نوری خالچی مدیر دروس وقت نگران من بود و یکی از دوستان را فرستاده بود که من حتماً به داخل دانشکده بروم. حقیقتاً آقای دکتر نوری خالچی با دانشجویان مثل بچه های خودشان رفتار می کردند و خارج از مسایل مدیر دروس بودن و استادی با دانشجویان بسیار گرم و با محبت برخورد می کردند.

آیا دانشجویان آن دوره نسبت به فعالیت های فوق برنامه خارج از مسائل درسی هم علاقه نشان می دادند؟

بله. در آن سال من و اغلب بچه ها گرایشمان به جبهه ملی بود و یک مقدار از وقتمان هم با مراجعه به دفتر کار آقای مهندس مهدی بازرگان در محل شرکت یاد که مخفف "یازده استاد دانشگاه" بود، می گذشت. در آن زمان یازده استاد که از دانشگاه اخراج شده بودند شرکتی تأسیس کرده بودند که ما به آنجا می رفتیم و یا مثلاً در خانه آقای الهیار صالح که روبروی دانشگاه در خیابان سزاور بود جمع می شدیم و در اوقات فراغت از تجربیات و راهنمایی های اساتید استفاده می کردیم.

بعد از اتمام تحصیلات خود به چه کاری مشغول شدید؟ اصولاً در آن زمان وضعیت اشتغال فارغ التحصیلان جدید چگونه بود؟

من در همان شرکتی که با معرفی دانشگاه در تابستان سال ۴۱ کارآموزی می کردم، در شرکت کنسترکسیون در پروژه راه ترانزیتی تاکستان - تبریز - بازرگان به مدت دو سال به عنوان رئیس دفتر فنی کار کردم و پس از آن دو سال هم در همان پروژه رئیس کارگاه بودم. اما در زمان ما متأسفانه عموماً کار اجرایی در مملکت بسیار کم بود و فارغ التحصیلان ناچار به استخدام در سازمانهای دولتی بودند چون در آن سالها دفاتر فنی وابسته به سازمان برنامه در استانها تشکیل شده بود و بیشتر فارغ التحصیلان جذب این دفاتر می شدند که بعدها این دفاتر وزارت آبادانی و مسکن آن زمان و وزارت مسکن و شهرسازی فعلی را تشکیل داد.

لطفاً نمونه ای از تجارب اجرایی خود را که از نقطه نظر فنی حائز اهمیت است برایمان بازگو کنید.

البته من تا کنون در پروژه های زیادی فعالیت داشته ام. اما پروژه احداث کارخانه تراکتور سازی در تبریز یکی از تجارب اجرایی جالب من است. کارخانه تراکتور سازی با سرمایه گذاری کشور رومانی احداث می شد و کلیه طرح ها و نقشه های پروژه مستقیماً از رومانی آورده می شد. در آن پروژه با اینکه من در مقام پیمانکار طرح تنها وظیفه عملیات اجرایی را بر عهده داشتم متوجه شدم که طرح سازه های ارائه شده بیش از حد قوی و غیر اقتصادی هستند و از آنجایی که پروژه باید سریعاً اجرا می شد، خودمان اقدام به تصحیح نقشه های سازه ای کردیم و بدین ترتیب به اقتصاد طرح کمک شایانی شد. همچنین در این پروژه سیزده هزار متر مربع سان صنعتی در مدت شش ماه (از شهرور تا اسفند) در شرایط نامساعد جوی تبریز اجرا و آماده بهره برداری شد که بسیار جالب توجه است.

آقای مهندس اشکی به عنوان کسی که جزء اولین ورودی و اولین گروه از فارغ التحصیلان دانشکده فنی تبریز هستید از سالهای تحصیل خود و چگونگی شکل گیری این دانشکده صحبت کنید.

به طوریکه مستحضرید اولین دوره دانشکده فنی دانشگاه تبریز در سال ۱۳۳۷ شروع به کار کرد. مؤسس و بنیانگذار دانشکده، رئیس وقت دانشگاه تبریز مرحوم دکتر غلامعلی بازرگان بودند که همزمان ریاست دانشکده را بر عهده داشتند و تدریس نیز می کردند. در آن سالها هر دانشکده رأساً کنکوری برگزار می کرد و تعداد مشخصی از دانشجویان برگزیده را جهت ورود به دانشکده انتخاب می نمود.

لطفاً از وضعیت تحصیلی و نحوه علم آموزی دانشجویان دانشکده فنی در آن دوره برایمان بگویید.

پس از ورود به دانشکده من و همکلاسانم همان ریتم درس خواندن در دبیرستان را ادامه می دادیم و عملاً تمام وقتمان در کلاسها و به درس خواندن و اجرای تکالیف و ... می گذشت. از سال دوم به بعد با معرفی دانشکده در هنگام تعطیلات تابستان در شرکتهای وقت به کارآموزی مشغول شدیم و دانشجویان با علاقه یادگیری را ادامه می دادند. متأسفانه در سالهای اخیر مشاهده می شود که بعضی از دانشجویان دوره کارآموزی را یک نوع وقت گذرانی تلقی می کنند و فقط منتظرند در آخر کار یک گواهی بگیرند و در دانشکده ارائه کنند. در حالی که در زمان ما هدف تنها یاد گرفتن بود و دانشجویان واقعاً وارد جریان کار می شدند و عملاً با محیط های کاری اجرایی آشنا می شدند.

آیا همه شرکتهای که دانشجویان در آن زمان برای کارآموزی می رفتند، ایرانی بودند و یا امکان کارآموزی در شرکتهای عمرانی خارجی هم در تبریز وجود داشت.

شرکتهای تقریباً همه ایرانی بودند. البته من در سال ۱۳۳۹ مدتی در شرکت اتکو کارآموزی کردم که شرکت ایرانی بود اما بیشتر کارکنانش آلمانی و دانمارکی بودند که مهندسان رده بالای شرکت انتظار بار علمی بالایی از دانشجویان نداشتند و در برخورد با دانشجویان ایرانی به خاطر اطلاعات علمی خوبشان تعجب می کردند و تحت تأثیر قرار می گرفتند.

معمولاً هر کس در دوران دانشجویی خود خاطرات تلخ و شیرین خاص آن دوره را تجربه می کند. شما چه خاطره ای از آن دوران دارید.

البته بدون خاطره نیستیم چون تمام آن دوران خاطره است. برای انجام تکالیف و پروژه ها معمولاً کلاس به پنج یا شش گروه تقسیم می شد و دانشجویان در انجام پروژه وقت زیادی را با هم می گذراندند و حتی برخی شب ها را تا صبح در خانه یکی از اعضای گروه کار می کردند که این سبک انجام پروژه صمیمیت زیادی را بین بچه ها ایجاد می کرد.

زمانی که ما در تبریز مشغول به تحصیل بودیم، در سالهای ۳۹، ۴۰ اصولاً اغتشاشات اجتماعی زیاد بود و دانشجویان در اعتصابات مختلفی شرکت می کردند. یاد هست که یک روز که دانشجویان در اعتصاب بودند من یک عدد ژالون نقشه برداری برداشته بودم

اغلب در گردهمایی های کانون شرکت می کنیم. از مسائلی که باید در اجتماع ما توجه کرد و به اعتقاد بنده باید فرهنگ آن را تقویت کرد همان سازماندهی تشکل های غیر دولتی است. به همین دلیل بنده جهت رونق فعالیت های این تشکل غیر دولتی با اشتیاق کامل در جلسات و گردهمایی ها شرکت می کنم و فعالیت های مختلف آن را دنبال می کنم.

به عنوان یکی از فارغ التحصیلان دوره اول نظرتان نسبت به فارغ التحصیلان جدید چیست؟

با توجه به نزدیک نیم قرن کار اجرایی در اقصی نقاط کشور لاجرم با تیپ های مختلف فارغ التحصیلان دانشکده ها همکاری داشته ام به نظر من متأسفانه اشتیاق اجرای کار و کسب تجربه به سال به سال کمتر و کمتر می شود. زمانی که ما می خواستیم در شرکتی شروع به کار کنیم اولین سؤالی که می کردیم این بود که کار چه کاریست. یعنی وزن و کیفیت کار بیشتر مهم بود تا حقوق و محل کار. الآن بزرگترین آئمی که برای فارغ التحصیلان اهمیت دارد اول مقدار حقوق و دوم محل کار است که نزدیکی به تهران هم فاکتور تعیین کننده ای است. ادامه این روند در مقیاس کلان می تواند نگران کننده باشد.

در خصوص برگزاری جشن پنجاهمین سالگرد تاسیس دانشکده فنی دانشگاه تبریز چه نظری دارید؟

این مؤسسه علمی در نیم قرن گذشته تعداد بسیار زیادی مهندس در شاخه های مختلف فنی تربیت کرده و تحویل اجتماع داده و این حداقل کاریست که می توان برای بزرگداشت آن انجام داد. همانگونه که در جلسه ای که جهت سازماندهی جشن در محل نظام مهندسی تشکیل شد عنوان کردم، بنده کاملاً شایق هستم که امور مربوط به کار گروه فرهنگی را پی گیری کنم.

در پایان اگر صحبت دیگری با خوانندگان پیام دارید بفرمایید.

احتیاج به توضیح نیست که کار اجرایی، آن هم در اقصی نقاط کشور چه مشکلاتی دارد. به عنوان مثال، بازدید از کارگاه ها مستلزم مسافرت های پی در پی می باشد. گفتنی است که همواره در انجام موارد مشروح تنها یار و مددکار اینجانب در پیشبرد اهداف، خاصه نقش آفرینی در تعلیم و تربیت فرزندان، همسر مدیر و مدبری است که در این سالهای پر جنب و جوش و سرشار از فعالیت های مسؤولانه در کنار من بوده پیوسته مشیر و مشار واقع شده است که نتیجه آن یک پسر و یک دختر فارغ التحصیل رشته معماری می باشد. به جهت فرهنگ حاکم بر جامعه در بی اعتباری کار پیمانکاری در کشور و مشکلات عدیده کارهای اجرایی به فرزندانم توصیه اکید نموده ام که هرگز به دنبال کار اجرایی نباشند.

از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم.

بنده هم از شما متشکرم و برای شما و خوانندگان پیام آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.



در زمان ما برای متقاضیان کار، وزن و کیفیت کار بیشتر مهم بود تا حقوق و محل کار...

آیا از مجموعه فعالیتهایتان در گوشه و کنار ایران خاطره جالب توجه دیگری نیز دارید؟

بله. من یک زمانی در سال ۵۰ پیمانکار قطعه ای از راه زاهدان به چابهار بودم. در آن کارگاه ما از نظر ماشین آلات راهسازی در مضیقه بودیم همان طوری که می دانید جهت استخراج سنگ مورد نیاز پیل سازی به کمپرسور نیاز است و چون ما کمپرسور نداشتیم مجبور بودیم حفاری ها را به صورت دستی انجام دهیم. به این صورت که یک نفر بر روی سنگ می نشست و متقابلاً نگی می داشت و نفر دوم چکش می زد و سنگ را سوراخ می کرد کارگرهای محلی همه علاقمند بودند بنشینند و متقابلاً نگی دارند و ما برای چکش زدن کارگر نداشتیم که این تبدیل به یک مشکل بزرگ شده بود. مجبور شدیم برای حل مشکل برای چکش زن ها حقوق دو برابر در نظر بگیریم ولی باز هم کسی پیدا نشد که کار چکش زدن را انجام دهد. به

ناچار من آمدم از آذربایجان ۲۰ نفر کارگر بردم که کارهای چکش کاری را آنها انجام می دادند و متقابلاً کارگرهای بومی نگی می داشتند. بالاخره با همت کارگران آذربایجانی کارهای چال زنی و آتش کاری انجام شد.

از چه زمانی با کانون فارغ التحصیلان تبریز آشنا شدید؟

در سال ۱۳۴۷ که بنده در تبریز مشغول اجرای بیمارستان تأمین اجتماعی بودم عده ای از فارغ التحصیلان هفتده ای یک روز در دفتر اینجانب در خیابان شهناز سابق جمع می شدند و به اتفاق برای تنظیم اساسنامه و نظام نامه کارهایی انجام می دادیم ولی این کارها به مراحل ثبت و ... نرسید که بعدها با همت دوست بسیار عزیز جناب آقای مهندس طباطبایی کار تأسیس کانون به انجام رسید و از همان بدو تأسیس در جریان امور بودم.

آیا در گردهمایی های کانون شرکت می کنید؟

به غیر از دیدار با همکلاسی های دوران دانشگاه چه انگیزه ای برای شرکت در گردهمایی ها دارید؟



توضیح عکس: تاریخ عکس: ۱۳۳۹، ردیف اول از راست به چپ: استاد دانشکده فنی دانشگاه تبریز: دکتر خوشروان، مهندس شیرازی، مرحوم دکتر بازرگان،

مرحوم دکتر نوری خالیچی، مرحوم مهندس ناصح زاده

ردیف دوم از راست به چپ: دانشجویان دوره اول دانشکده فنی دانشگاه تبریز: مرحوم آذر نوا، آواکیان، توفیق، مرحوم پناهشاهی، کهن کوچک، حریری، دیتاش،

انشایی، بزاز زاده، نخجیری

ردیف سوم از راست به چپ: مرحوم صدیق، طالعی، نوظهور فرش، ماشینی، مرحوم تربتی رجایی